

دیپوک حزب «مردم‌سالاری» در کافه‌خبر خبرگزاری خبر آنلاین:

پیروان تفکر مرحوم مصباح‌یزدی باور به مشارکت حداکثری و مشروعیت رای مردم ندارند



دیپر کل حزب مردم‌سالاری میهمان کافه‌خبر خبرگزاری خبر آنلاین بود. بخش دوم گفت‌وگو تفصیلی ایشان را به شرح زیر تقدیم خوانندگان می‌شود.

وقتی که از کواکیبان سوال می‌شود با توجه به سابقه کاندیداتوری او در انتخابات ریاست‌جمهوری، این ثبت‌نام نکردن در انتخابات مجلس به معنای برنامه‌ریزی بلند مدتش برای اعلام داوطلبی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۴ است، این احتمال را رد نکرد. **آقای کواکیبیان! در فاصله ۲ ماه مانده تا انتخابات مجلس دوازدهم، احتمال ارائه لیست از سوی حزب متبوع شما چقدر است؟** در انتخابات مجلس پیشین شما لیست مشترکی با حزب کارگزاران داشتید و خودتان هم در لیست بودید، این موضوع ممکن است تکرار شود؟

در مجلس یازدهم ما لیست مشترک نداشتیم، البته دوستانی بودند که لیست مشترک دادند اما در نهایت با غیبت مردم مواجه شدیم، به این معنی که مردم در انتخابات مجلس یازدهم حضور پیدا نکردند، چنانچه براساس آمارهای رسمی فقط ۴۰ درصد مردم در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کردند، لذا آماری که از مجموعه آرای مجلس یازدهم منتشر شد این بود که مجموعه آرای این مجلس به ۱۱ میلیون نفر نمی‌رسد و تعداد آراء حتی به ۹ میلیون و خرده‌ای و کمتر از ۱۰ میلیون می‌رسد.

شخصاً مشاهده کردم کسی از کلاتشهری با ۲ درصد آراء وارد مجلس شده بود، به این ترتیب که با ۲۵ تا ۲۷ هزار رأی نماینده مجلس شده است. بنابراین در انتخابات مجلس یازدهم مشکل ما فقدان مشارکت حداکثری بود که عامل مهمی بود. فقدان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم تا جایی بود که اواخر عصر مجلس دهم در صحن گفتم آقایی که الان رئیس مجلس هستنی، تو تازه کمتر از منی که نفر ششم مجلس دهم بودم، رأی آوردهای.

یک‌دفعه گفتند از شان‌زدهم هر کسی اسم ننوشته خداحافظ شما، تمام شد!

در مجموع وضعیت مشارکت در انتخابات مجلس دوازدهم به این ترتیب بود که در تهران ۱۸ درصد مردم شرکت کردند. حتی دوستان خودمان در روزنامه مردمسالاری گفتند دکترجان دوستت داریم اما نمی‌روسیم رأی بدهیم، من هم در پاسخ گفتم شما همین‌جا کار می‌کنید(خنده) اما در پاسخ گفتمند ما نمی‌خواهیم رأی بدهیم.

درباره لایحه عفاف و حجاب چند ماه است که کش و قوس و بحث بسر روی آن دارند و حتی شورای نگهبان می‌گوید غلط املائی دارد. اما در مورد قانون انتخابات شرایط به این صورت بود که قانونی در مجلس تصویب شد، به سرعت توسط شورای نگهبان تایید شد، سریعاً ابلاغ شد، ستاد وزارت کشور به سرعت آن را تایید کرد، در نهایت هم گفتند از شان‌زدهم هر کسی اسم ننوشته دیگر خداحافظ شما تمام شد!

درباره انتخابات مجلس دوازدهم نیز بحث مصوبه بسیار بد مجلس یازدهم پیرامون قانون انتخابات مطرح شد. مصوبه مذکور در خانه احزاب همه ما از جمله مستقلین، اصولگرایان و اصلاح‌طلبان را یک دفعه غافلگیر کرد. در حقیقت اول خرداد سال جاری مجلس چنان به صورت ضرب‌الاجلی قانون انتخابات را تصویب کرد که ما در مورد طرح‌ها و لوابح سهه فوری‌تی هم مشاهده نمی‌کردیم، به این ترتیب عمل شود.

برای نمونه درباره همین لایحه عفاف و حجاب چند ماه که کش‌وقوس و بحث بر روی آن داشتند و حتی شورای نگهبان می‌گفت؛ غلط املائی دارد. اما در مورد قانون انتخابات وضعیت به این صورت بود که یک‌دفعه اعلام کردند از شان‌زدهم مراد ماه ثبت‌نام آغاز می‌شود.

بسه عبارت دیگر درباره قانون انتخابات شرایط به این صورت بود که قانونی در مجلس تصویب شد، به سرعت توسط شورای نگهبان تایید شد، سریعاً ابلاغ شد، ستاد وزارت کشور به سرعت آن را تایید کرد، در نهایت هم گفتند از شان‌زدهم هر کسی اسم ننوشته دیگر خداحافظ شما تمام شد! آن هم چی؟ هفت ماه قبل از انتخابات!

دلیل کاندیدا نشدن خود شما هم همین بود؟

لذا حزب مردم سالاری برای اینکه بسنجد چه کسانی از شورای مرکزی کاندیدا شوند، آمادگی نداشت، در این میان یکی هم خودم بودم که واقعاً تردید داشتم در انتخابات مجلس دوازدهم داوطلب شوم یا خیر.

از لیست ۱۰۰ نفره ما فقط ۲۶ نفر

تایید صلاحیت شدند

در مجموع در اعتراضی‌به این اقدام مجلس یازدهم در انتخابات مجلس دوازدهم ثبت‌نام نکردم. البته با این وجود ما یک لیست ۳۷ نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس دهم که در ارتباط هستیم، آماده کرده بودیم که آقای پزشکیمان هم یکی از این افراد بود. همچنین حدود ۳۰ نفر از اعضای حزب مردم‌سالاری در استان‌های مختلف ثبت‌نام کردند. در مجموع

یک لیست ۱۰۰ نفره آماده کردیم و گفتیم حداقل می‌توانیم ۱۰۰ نفر لیست بدهیم اما بعد از اینکه نتیجه احراز صلاحیت‌ها توسط هیئت‌های اجرایی اعلام شد، از این لیست ۱۰۰ نفره فقط ۲۶ نفر تایید شدند.

البته امیدواریم هیات‌های نظارت و شوروی نگهبان در مراحل بعدی بتوانند یک تجدید نظری داشته باشند اما واقعیت امر این است که هم قانون انتخابات بزرگ‌ترین ضربه را به احزاب کشور

وارد کرد و هم بحث احراز صلاحیت توسط هیئت‌های اجرایی، در قانون جدید انتخابات ۵ نهاد که از آنها استعادم گرفته می‌شد، را یک جوری جمع و جور کردند و نکته جالب این که فقط ۱۴ روز برای اعلام نتیجه استعلام‌ها وقت داشتند. در نهایت شرایط



وارد کرد و هم بحث احراز صلاحیت توسط هیئت‌های اجرایی، در قانون جدید انتخابات ۵ نهاد که از آنها استعادم گرفته می‌شد، را یک جوری جمع و جور کردند و نکته جالب این که فقط ۱۴ روز برای اعلام نتیجه استعلام‌ها وقت داشتند. در نهایت شرایط

بسیار نامطلوبی برای بحث انتخابات مطرح است. **می‌گویند ۲ هزار نفر از کاندیداها اصولگرا نیستند پس اصلاح طلبند!**
زمان انتخابات مجلس یازدهم گفتیم ما در تهران یک تعداد کمی کاندیدا داریم و در کل کشور فقط ۶۰ اصلاح‌طلب تایید شدند، یعنی نظر شورای نگهبان این است که ما برویم کاندیدای قرضی از اصولگرایان بگیریم و بگوییم ما چون کاندیدا نداریم شما هم یک تعدادی به ما قرض دهید تا لیست دهیم؟

فکر می‌کنم آقای خاتمی اصلاً نمی‌خواهد هیچ فعالیتی در بحث انتخابات داشته باشد. چند جلسه هم بعضی از دوستان با او داشتند، نقل قول می‌کنند که ایشان خیلی نمی‌خواهد فعال باشد و دلایل خودش را دارد. در جبهه اصلاحات نیز ما ۳۱ حزب هستیم و تقریباً می‌شود گفت حدود ۱۸-۱۷ حزب اصلاً به دنبال انتخابات نیستند.

حدود ۴-۳ حزب هستند که اسم‌شان را صندوق‌محور می‌گذارند. حدود ۸-۷ حزب که شامل ما هم می‌شود مقتضی محور هستیم. در حال حاضر هم شرایط به همین ترتیب است که کاندیدا نداریم، یکی از دوستان خانه احزاب گفته بود ۲ هزار نفر هم از اصلاح‌طلبان و اعتدالیون اسم ننوشتند. گفتیم می‌شود این لیست را به ما بدهید که خودمان در اصل قصه هستیم، آنها را بشناسیم. بعد متوجه شدیم منظور آنها از اینکه می‌گویند ۲ هزار نفر از اصلاح‌طلبان در انتخابات ثبت‌نام کردند، این است که از این ۲۰ و چند هزار نفری که ثبت‌نام کردند، ۲ هزار نفر اصول‌گرا نیستند، یعنی ۲ هزار نفر غیراصول‌گرا هستند و بقیه همه جزو لیست‌های خودشان هستند.

بنده تعبیری را از دوستان اصول‌گرا در خانه احزاب شنیدم که جالب بود. قضیه به این ترتیب بود که گفتیم مقام معظم رهبری هم با شورای نگهبان دیدار داشتند و تاکید کردند که مشارکت پرشوری باید باشد، آن فرد در

پاسخ گفت بله ایشان فرمودند ولی ما هم باید توجه داشته باشیم مشارکت پرشور با نتایج مطلوب!

لذا در پاسخ به آن فردی که گفته بود ۲ هزار اصلاح‌طلب در انتخابات ثبت‌نام کردند، گفتیم اگر منظور‌تان از این ۲ هزار نفر اصلاح‌طلب همان غیراصولگرا است، تایید می‌کنم والا ما اصلاح‌طلبان لیستی نداریم که بخواهیم تایید و پیگیری کنیم. در حال حاضر امیدوار هستم شورای نگهبان اقدامی انجام دهد و هیئت‌های نظارت تجدید نظری کنند و مشاهده کنیم فضای انتخابات گرم می‌شود یا خیر.

مشارکت حداقلی در دهان اصولگرایان مزه کرده است

امیدواریم شورای نگهبان کاری انجام دهد» جمله‌ای است

که این روزها مصباح‌طلبان می‌گویند، یعنی اصلاح‌طلبانی که یک روز نگران هیئت‌های نظارت بودند در حال حاضر با توجه به رفتاری که از

سمت هیئت‌های اجرایی مشاهده می‌کنند

امیدشان به شوروی نگهبان است. با توجه

به تجربه‌ای که شما دارید، چنین رویکردی

را از سوی هیئت‌های اجرایی بیشتر تجربه

کرده بودید؟

بنده تعبیری را از دوستان اصول‌گرا در خانه احزاب شنیدم که جالب بود. قضیه به این ترتیب بود که گفتیم مقام معظم رهبری هم با شورای نگهبان دیدار داشتند و تاکید کردند که مشارکت پرشوری باید باشد، آن فرد در پاسخ گفت بله ایشان فرمودند ولی ما هم باید توجه داشته باشیم مشارکت پرشور با نتایج مطلوب!

یعنی این فرد اصول‌گرا صحبت‌های رهبری را تفسیر می‌کرد و می‌گفت مشارکت پرشور را ما می‌خواهیم اما با نتایج مطلوب، واقعیت امر این استس که مشارکت حداقلی در دهان عزیزان

اصولگرا مزه کرده و مشارکت حداکثری را دوست ندارند.

یک فردی که الان کاره ای در مجلس است می‌گفت

مشارکت ۵ درصدی هم بس است!

قطعاً اگر اینها مشارکت حداکثری بخواهند، بسیاری از موارد وجود دارد که باید جدی بگیرند و فضا را بازتر کنند. برای نمونه یک بنده‌خجادی که اسم نمی‌برم، در دانشگاه قم با هم بحث داشتیم و من گفتم انتخابات خوب آن انتخاباتی است که مشارکت بالای ۵۰ درصد داشته باشد، اما ما امروز می‌گفتیم شما را به خون شهدا قسم، به ایات قرآن کریم قسم، واجب الهی و تکلیف شرعی است، وظیفه انقلابی است که در انتخابات شرکت کنید، لذا تاکید می‌کردیم که مردم باید و حتماً به پای صندوق بیایند، در همان جلسه گفتم مشروعیت انتخابات ما به مشارکت بالای ۵۰ درصد وصل است، اما آن فرد در پاسخ به صحبت‌های من گفت نه! لازم نیست، مشارکت ۳۰ درصد هم باشد، کافی است. مگر دنیا چه می‌کند؟ من می‌گفتم در کشورهای دیگر حزب دارند، سیستم آنجا فرق می‌کند. خلاصه او می‌گفت ۳۰ درصد کافی است.

وقتی که بیرون آمدیم، گفت آقای کواکیبان من پیش دانشجویها گفتم ۳۰ درصد، مشارکت ۵ درصد باشد هم بس است! ما خیلی بیشتر نمی‌خواهیم. آن دوستی که این حرف‌ها را در مورد میزان مشارکت در انتخابات می‌گفت در مجلس فغلی یک کارهای است.

شاگردان مصباح یزدی گفتند دیدگاه او با دیدگاه امام و رهبری جور در نمی‌آید
منظور بنده این است که اینها اعتقادی به مشارکت حداکثری ندارند و اصل تفکر هم مربوط به مرحوم مصباح یزدی است. در قانون این مورد نکته‌ای دارم، من در دانشگاه علامه طباطبایی یک کرسی ترویجی برای نقد نظرات مرحوم مصباح یزدی گذاشته بودم که دو نفر از شاگردانش به آنجا آمدند و تعبیر آنها این بود که دیدگاه مرحوم مصباح یزدی را رویکرد و دیدگاه امامین

انقلاب جور در نمی‌آید. یعنی حتی شاگردشان گفت که دیدگاه آیت‌الله مصباح با دیدگاه رهبری هم جور در نمی‌آید.

در تفکر مرحوم مصباح یزدی، باور به مشارکت

حداکثری و رای مردم وجود ندارد
در آن کرسی من کدی دادم مبنی بر اینکه رهبری ابتدای سال ۸۹ در آستان قدس رضوی که صحبت می‌کردند گفتند

در جمهوری اسلامی علاوه بر مشروعیت الهی، مشروعیت مردمی هم داریم اما این لفظ مشروعیت مردمی را اصلاً مصباح یزدی قبول ندارند. لذا من معتقد هستم که واقعاً تفکر مربوط به مرحوم مصباح یزدی به مشارکت حداکثری، رأی مردم و مشروعیت‌افزایی مشارکت در انتخابات باور ندارد، بنابراین خودش را در لایه‌های مختلف اعم از دولت، مجلس و نهادهای مختلف نشان می‌دهد.

لذا خیلی برای آنها اهمیت ندارد که مشارکت گسترده باشد و می‌گویند ما با همان مشارکت حداقلی هم می‌توانیم مجلس را داشته باشیم اما غافل از این نکته هستند که اگر با این رویکرد جلو برویم، چنین نگرانی وجود دارد که دیگر نه از تاک نشان ماند و نه از تاک‌نشان، لذا این خطر اصلی است.

نفوذ تفکر مصباح در دولت و صداوسیما

قبول دارید که این تفکری که به مشارکت اهمیت نمی‌دهد طی این ۲ سال در ساختار حکامیت قدرت بیشتری گرفته است، یعنی حتی در دولت، مجلس، صدا

ما می‌گوییم اگر در انتخابات کاندیدا داشتیم، فعال می‌شویم اگر نداشتیم،

که نمی‌ششود برویم کاندیدا قرض کنیم. لذا فکر می‌کنم، اکثریت احزاب

وابسته به جبهه اصلاحات نسبت به اینکه بخواهند حتی لیستی بدهند،

خوش‌بین نیستند

و سیما و هیئت‌های اجرایی هم نفوذ تفکر مرحوم مصباح

یزدی بسیار پررنگ دیده می‌شود؟

در مورد هیئت‌های اجرایی مرتب اسم می‌برند و می‌گویند اعضای آن از معتمدین هستند و از طرفی فرماندار مجری قانون است. اما در مجموع تفکر مربوط به مرحوم مصباح یزدی هم در دولت هم در صدا و سیما وجود دارد.به عبارت دیگر تفکر اینها این است که چه کسی گفته که میزان رأی ملت است؟! مردم بودند بهتر، نبودند هم مهم نیست! لذا اصلاً مشارکت و حضور مردم برای آنها اهمیتی ندارد. درباره وضعیت صدا و سیما می‌گویند از نظر میزان مخاطبان وارد خط قرمز شده، چنانچه گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم خیلی صدا و سیما را مشاهده و پیگیری نمی‌کنند، این در حالی است که می‌توانند کاری کنند که این مرجعیت رسانه‌ای به داخل برگردد و قضیه به این صورت نشود که بگویند اینترنشنال اینجوری گفت، بی‌بی‌سی برشین اینجوری گفت، من و تو آنجوری می‌گویند و غیره.

مقامات دولتی به اهمیت ندادن به نظر مردم افتخار هم می‌کنند

در هر صورت آن رسانه‌ها هم حرف‌های خودشان را می‌زنند و خیلی دغدغه‌داخل را ندارند، در مجموع ما باید پذیریم که مشارکت حداکثری نه تنها تلاوم آرمان‌های انقلاب را به همراه دارد بلکه منجر به تضمین تقویت پایه‌های نظام می‌شود. البته در این میان برخی خودشیرینی هم می‌کنند به این ترتیب که به مقامات مافسوق گزارش می‌دهند و برای مثال می‌گویند این کار و آن کار را کردیم و کاری هم به نظر مردم نداشتیم، به نظر

می‌رسد خوششان می‌آید که در گزارش‌های رسمی مربوط به پروژه‌های اجرایی و در طرح‌ها می‌گویند ما این کارها را کردیم ولی اصلاً برای ما مهم نبود که مردم چگونه فکر می‌کنند، این واقعاً بسیار عجیب است.

یعنی در دولت هنگام اجرای پروژه و یا طرح می‌گویند به نظر مردم اهمیت نمی‌دهند؟

بله، جریان در دولت به این ترتیب است که برای نمونه مقام مسئول وقتی به مقام مافوق گزارش می‌دهد به صورتی که انگار اقدام بسیار خوبی از وی سر زده، می‌گوید ما آن پروژه را اجرا کردیم و اصلاً توجه نداشتیم که مردم چه می‌گویند.

بعید می‌دانم اصلاح‌طلبان به لیست برسند

آقای کواکیبان! جبهه اصلاحات در واکنش به قضیه پیش‌ثبت‌نام یک بیانیه داد که برآیندش این بود که این جبهه نمی‌خواهد به انتخابات ورود پیدا کند اما در صورتی که نتایج احراز صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان اعلام شود، آیا این امکان وجود دارد که حزب مردم‌سالاری برای انتخابات مجلس دوازدهم لیستی ارائه دهد؟ چه مستقل چه اشتراکی؟ و اگر این کار را انجام دهید تا چه اندازه با مشی جبهه اصلاحات در تضاد خواهدبود؟

من بعید می‌دانم که ما اصلاح‌طلبان به لیست برسیم. آمار دادم و گفتم‌که در حال حاضر حدود ۲۷-۲۶ نفر تایید شده‌اند، این‌شاءالله اگر تعداد تایید صلاحیت شدگان مورد نظر اصلاح‌طلبان ۱۰۰ نفر رسید، می‌نشینم و فکر می‌کنیم.

البته این را هم گفتم‌که در صورتی که نیروهای ما در بعضی از حوزه‌های انتخابیه از سدها گذشته باشند و رأی‌آوری هم داشته باشند، از آنها حمایت می‌کنیم اما نه به صورت لیست بلکه به این صورت که به دوستان خودمان می‌گوییم برای مثال در فلان شهر فلان آقا خوب است که رأی بیاورد چون هم فیلتر را گذرانده و هم رأی‌آوری دارد.

مجلس را در حد یک ماشین امضا نگه داشتند، به مجلس برویم چه کنیم؟

در حزب مردم‌سالاری هم وضعیت به این شکل است که ضربه اول را قانسون انتخابات به ما زد و ضربه دوم وارد صلاحیت‌های هیات‌های اجرایی به ما وارد کردند. در این میان اگر افرادی به فکر مشارکت حداکثری و سلسلوز به نظام هستند، باید فکری کنند. البته اعتقاد ما این است و چندین جا هم گفته‌ام که ما به دنبال بازنگری قانون اساسی هم هستیم، البته حدود ۷سال است که این بحث را مطرح می‌کنم. در نهایت اگر اتفاقی بیفتد و برای مثال فرمائی صادر شود که به دنبال آن یک کشور و هیجان جدیدی در فضای سیاسی داشته باشیم، شاید دیدگاه ما تغییر کند چراکه با این مجلس و این ترکیب که مجلس را کلاً از رأس امور بودن سناقت کرده و آن را در حد یک ماشین امضا نگه داشتند، بر فرض هم که ما به مجلس رفتیم، بعدش چه می‌شود؟ لذا باید فکر اساسی برای این قضیه کرد.

آقایی که الان کاره ای در مجلس است به من گفت مشارکت ۵ درصد باشد هم بس است! اینها اعتقادی به مشارکت حداکثری ندارند و اصل تفکر هم مربوط به مرحوم مصباح یزدی است. دو نفر از شاگردانش حتی گفتند دیدگاه مرحوم مصباح یزدی با رویکرد و دیدگاه امامین انقلاب جور در نمی‌آید.

در جبهه اصلاحات ما ۳۱ حزب هستیم و تقریباً می‌شود گفت حدود ۱۸-۱۷ حزب اصلاً به دنبال انتخابات نیستند. حدود ۴-۳ حزب هستند که اسم‌شان را صندوق‌محور می‌گذارند. حدود ۸-۷ حزب که شامل ما هم می‌شود، مقتضی محور هستیم. ما می‌گوییم اگر در انتخابات کاندیدا داشتیم، فعال می‌شویم اگر نداشتیم که نمی‌شود برویم کاندیدا قرض کنیم.

لذا فکر می‌کنم اکثریت احزاب وابسته به جبهه

اصلاحات نسبت به اینکه بخواهند حتی لیستی

بدهند، خوشبین نیستند.

اینکه می‌گویسند کاندید قرضی نمی‌گیرید،

پس احتمال ائتلاف ضعیفی می‌شود؟

بله، البته حسن روحانی و علی لاریجانی دارند،

یک حرکت‌هایی می‌کنند که من فکر می‌کنم این

افراد می‌خواهند در وادی کسانی که اصلاح‌طلب نیستند، لیست

ببندند، اما دقیق خبر ندارم. با ما نشستنی نداشتند اما منظوم

این است که این دو نفر نیروهای را دارند، برای مثال من شنیدم

نویخت ثبت‌نام کرده است.

شاید نیروهایی به این صورت هم داشته باشند که از این طریق بخواهند لیست بدهند. البته هدف آنها مجلس نیست بلکه می‌گویند مجلسی باشد که شاید برای کارهای بعدی مناسب باشد. این‌شاءالله با لیست‌شان محشور باشند و عبدالله هم ماجور باشند. لذا اصلاح‌طلبان خیلی دخالتی در این مسائل ندارند.

اخیسراً گزارشی در رسسانه‌ها در رابطه به برنامه ریاست‌جمهوری اصلاح طلبان مطرح شد، ممکن است شما هم برنامه‌ای برای انتخابات ۱۴۰۴ داشته باشید و دلیل عدم ورودتان به انتخابات مجلس برنامه‌ریزی برای آن انتخابات باشد؟

من در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری، یعنی انتخابات قبلی

کاندید جبهه اصلاحات بودم.

اتفاقاً بر مبنای ابلاغیه شورای نگهبان که شامل دو دستورالعمل مربوط به دستور و وزارت کشور بود، واجد شرایط شناخته شده بودم اما از امثال زاکنی درآمد و ما درنیامدیم. بنابراین بحث

این است که انتخابات ریاست‌جمهوری حتما در برنامه حزب

مردم‌سالاری هست و حتماً پیگیری خواهیم کرد، از قبل هم

بحث داشتیم اما الان یک مقدار زود است که بخواهیم وارد این

بحث‌ها بشویم. برویم جلو ببینیم چه می‌شود.



نمایندگان می‌توانند طرح ارائه کنند. ما باید به دولت فشار بیاوریم

که لایحه بدهد. وی خاطر نشان کرد: پیشنهاد من این است که ۱۳ کمیسیون تخصصی در مجلس آینده با دولت بنشینند و بسته تهیه کنند. مثلاً کمیسیون اقتصادی دارای چالش‌های اصلاح قانون است و با دولت بنشینند بدهای قانونی آن را اصلاح کند

تا به یک فهم مشترک با دولت دست پیدا کند. به ترتیب مابقی

قانون‌رها به همین شکل رفتار کنند. دولت و مجلس ۱۳ بسته قانون‌گذاری مشترک بین خود را تهیه و آماده کنند. دولت لوابح

خودش را بدهد و مجلس بقیه وقت خود را در بحث نظارت بگذارد.